



احمد شامی، هنرمند موسیقی تربت جام در گفت‌وگو با «ایران»:

تلاش در حفظ موسیقی اصیل ایران مثل جهاد است



تربت جام

گفت وگو

نداسیجانی
گروه فرهنگی

نوازندگی دایره عبدالغفور جهانگیری، هر کدام از مقام‌های موسیقی خراسان داستان و روایتی دلنشین پشت سر دارد که با نغمه‌های دوتار هم‌ساز می‌شود.

عرصه‌ای برای موسیقی کهن ایران

احمد شامی در گفت‌وگو با «ایران»، درباره حضور این گروه در جشنواره غیب‌خوانندگان نام‌آشنای موسیقی فجر را بیشتر دیده شدن هنرمندان موسیقی نواحی ایران بیان کرد: «جشنواره موسیقی فجر قطعا در شناساندن و معرفی موسیقی نواحی و گونه‌های بسیار کهن و غنی ایران است که از سالیان بسیار دور تا به امروز سینه به سینه به نسل آینده منتقل شده و آیندگان همچنان میراثدار هنر پدران خود هستند. به طور مثال طبق پژوهش‌هایی که انجام گرفته، دوتار تربت جام نزدیک به ۷ هزار سال قدمت دارد و این موضوع بیانگر اهمیت این موسیقی و هنر است. بنابراین ضرورت دارد بیش از این به موسیقی بومی ایران بها داده شود و در جشنواره‌های مختلف از این هنرمندان دعوت به عمل آید.»

ثبت و ضبط آثار بزرگان موسیقی نواحی ایران

او در ادامه صحبت‌هایش گفت: «نکته مهم فراخوان و اطلاع رسانی است و متأسفانه در شهرهای دورافتاده و مناطق روستایی ضعف اطلاع‌رسانی دیگر ثبت و ضبط آثار هنرمندان موسیقی بومی ایران است. موسیقی مناطق ایران از سینه هنرمند تراوش می‌کند و منتقل می‌شود و طی این سال‌ها هنرمندان بزرگی در این عرصه بوده‌اند که نام‌شان در تاریخ

این سرزمین به یادگار مانده اما دیگر در بین ما نیستند و هنر خود را بی آنکه به نسل بعد منتقل کنند یا ثبت و ضبطی صورت بگیرد، با خود برده‌اند. کما اینکه در موسیقی تربت جام هم مقام‌های بسیار بود که از بین رفته و ممکن است همین چند مقام باقی مانده هم از بین برود. براین اساس، ضرورت دارد مسئولان فرهنگی این آثار را به صورت استودیویی ضبط کنند تا برای نسل آینده ماندگار شود.»

پیشنهادی برای رقابتی شدن جشنواره موسیقی فجر

سرپرست گروه موسیقی «ژنده پیل» از تربت جام بر این نظر است برگزار شدن جشنواره‌ها به صورت غیررقابتی موجب کم‌انگیزه شدن هنرمندان و به همین نسبت افت جشنواره‌ها شده است و به عقیده من، بهتر است مسئولان مربوطه نگاه جدی به این موضوع داشتند و حمایت می‌کردند و حتی جوایزی برای آنها در نظر گرفته می‌شد تا این کودکان و نوجوانان با انگیزه بیشتری به آموختن این هنر و ساز بپردازند.»

احمد شامی به عدم توجه به موسیقی اقوام ایران اشاره و بیان کرد: «طی این سال‌ها کم‌توجهی و کم‌لطفی‌های بسیاری به موسیقی فولک ایران شده است. این درحالی است که متأسفانه طی یکی- دو دهه اخیر موسیقی‌های متفاوت و متنوع غربی و سازهای الکترونیک توانسته به موسیقی ایرانی راه پیدا کند و نسل جوان را به سمت خود بکشاند. براین اساس باتوجه به شرایط موجود از نگاه من فعالیت در حیطه هنر موسیقی اصیل و نواحی و حفظ سازهای اصیل و ارزشمند این گونه موسیقی، همچون جهاد است.»

اجرای مارش نظامی ۲۵۰۰ ساله

او در ادامه صحبت‌هایش به قطعات اجرایی این گروه در جشنواره اشاره کرد و گفت: «قطعه اول غزل یا چهار بیته‌ای از حکیم سنایی بود. این قطعه اغلب به صورت چهاربیته یا تکنوازی اجرا می‌شود اما طی تمریناتی که با گروه داشتیم، تلاش کردیم به صورت گروهی بنوازیم، قطعه دیگر دو ملودی پربار از شاخه‌های مقام الله



شده که رایج‌ترین و رسمی‌ترین متر است. ریتم کلی ساده، منظم و بدون سنکوپ‌های پیچیده است. تأکید بر ضرب‌های قوی، هماهنگی کامل ریتم موسیقی با وزن شعر، عدم استفاده از ریتم‌های رقص گونه یا استعاط‌پذیر، از دیگر ویژگی‌های سرود ملی است. این انتخاب ریتمیک باعث می‌شود قطعه به راحتی توسط ارکسترهای نظامی، گروه‌های کر دانش‌آموزی یا ارابه‌های رسمی قابل اجرا باشد؛ نکته‌ای که در طراحی سرودهای ملی اهمیت بالایی دارد.

هارمونی سرود جمهوری اسلامی ایران کاملاً در چهارچوب هارمونی تونال کلاسیک حرکت می‌کند. آکوردها ساده، شفاف و عملکردی هستند و بیشتر بر پایه درجات اصلی گام تونیک، دومینانت و ساب‌دومینانت بنا شده‌اند.

پرهیز از آکوردهای آلترا یا مدولاسیون، حرکت هارمونیک قابل پیش‌بینی، تأکید بر حس پایان‌یافتگی در گادانس نهایی، از نظر بافت (Texture)، اثر عمدتاً هموفونیک است؛ یعنی ملودی اصلی با همراهی آکوردی پشتیبانی می‌شود. این نوع بافت برای سرود ملی انتخابی

را با نام‌های الله شرنو و کبک زری بود که اجرا کردیم. این قطعه در منطقه ما با دوتار و سرنواخته می‌شود. مقام دیگر پایدارگی‌ها است که در گذشته در عروسی‌ها اجرا می‌شد و به صورت سوز و گداز است و در این اجرا سه پایدارگی را به صورت تلفیقی اجرا کردیم. قطعه دیگر آیین باران خوانی بود که یکی از آیین‌های مهم موسیقی خراسان است و ریشه در زندگی کشاورزان این سرزمین دارد. تربت جام یک منطقه کویری است و در گذشته و در زمان خشکسالی، کودکان به در خانه‌ها می‌رفتند و نذری جمع می‌کردند و این مقام یا دعا را می‌خواندند و جالب اینکه بعد از ادای نذری، باران می‌بارید. مقام دیگر الله بود که یک مقام عرفانی در قالب ذکرخوانی و مناجات است. مقام دیگر «مشق پلتنان» بود که به نوعی یک مارش نظامی است و ۲۵۰۰ سال قدمت دارد و به دو صورت سواره‌ها و پیاده نظام تقسیم می‌شد. یک مقام بسیار سخت است که به صورت تک‌نوازی اجرا می‌شود و با نواختن این مارش نظامی سواره‌نظامان و پیاده نظامان آماده جنگ می‌شدند. ما این مقام را



موسیقی مناطق ایران

از سینه هنرمند

تراوش می‌کند

و منتقل می‌شود و طی

این سال‌ها هنرمندان

بزرگی در این عرصه بوده‌اند

که نام‌شان

در تاریخ این سرزمین به

یادگار مانده اما دیگر

در بین ما نیستند و هنر خود را بی

آنکه به نسل بعد منتقل

کنند یا ثبت و

ضبطی صورت

بگیرد، با خود برده‌اند



معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

در گفت‌وگو با «ایران»:

تلاش ما توجه به شناسایی و گسترش موسیقی اقوام ایرانی است

خانه موسیقی تهران که به‌تازگی در منطقه فرهنگی عباس‌آباد افتتاح شده در اولین شب جشنواره چهل‌ویکم موسیقی فجر میزبان موسیقی نواحی شرق و جنوب خراسان بود که به هنرمنایی گروه موسیقی «ژنده پیل» و اجرای استاد کریم کریمی و فرزندان اختصاص داشت. مهدی شفیی معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، بابک رضایی مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و آرش امینی دبیر جشنواره، میهمانان این اجراها بودند و در بخشی از این برنامه روی سن آمدند و با ادای تندیس جشنواره و لوح تقدیر از مقام هنری کریم کریمی، خواننده موسیقی محلی شرق و جنوب خراسان تقدیر کردند. مهدی شفیی، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با «ایران» درباره نگاه جدی این وزارتخانه به موسیقی اقوام ایران گفت: «خوشبختانه در این دوره از جشنواره هم بخش موسیقی نواحی بسیار برجسته دیده شده است و اساتید شاخص این حوزه حضور و اجرا دارند. البته یک دلیل این توفیق اجرایی، اتفاقات جشنواره هفدهم موسیقی نواحی بود که به دلیل حادثه ناگوار بندر شهید رجایی شهر بندرعباس نیمه‌تمام ماند، اما آثار برجسته و شاخص آن در این دوره از جشنواره حضور دارند.»

او در ادامه صحبت‌هایش اظهار کرد: «ما وظیفه داریم با شناسایی و گسترش موسیقی اقوام ایرانی به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی کشور، به هنرمندان شاخص این حوزه و آنچه ظرفیت موسیقایی نواحی ماست، توجه ویژه داشته باشیم، کما اینکه در گذشته ما مدیران این حوزه این موضوع مهم را مورد توجه قرار داده و با بهره‌گیری از ساختارهایی همچون صندوق اعتباری هنر و شورای ارتباطی هنرمندان، تمرکز بر موسیقی نواحی ایران افزایش یافته است و این مسیر همچنان تداوم خواهد داشت.»

معاون امور هنری به توجه نسل جوان به موسیقی نواحی ایران و انتقال این میراث کهن اشاره و بیان کرد: «در اجرای شب اول این جشنواره در کنار گروه‌نوازی جوانان این حوزه، استاد کریمی در کنار فرزندان اجرای برنامه داشتند و این نشان از پیوند نسلی است که در مسیر راه گذشتگان خود قرار گرفته‌اند. نوجوانانی که در کنار پیشکسوتان با تبحر می‌نواختند و این امیدواری وجود دارد که موسیقی نواحی ما نزد نسل جدید جایگاه خود را بازیافته و همچنان آن سنت استاد-شاگردی حفظ شده است. خصوصاً در مناطق و استان‌هایی که موسیقی مقامی بسیار جاذبه اهمیت بوده مانند استان‌های خراسان، کردستان، لرستان، سیستان و بلوچستان و... ان‌شاءالله در سال جدید با برگزاری جشنواره موسیقی نواحی در کرمان به صورت برجسته‌تر به این حوزه توجه خواهیم داشت.»

هوشمندانه است، زیرا وضوح کلام را حفظ می‌کند. در نسخه رسمی، ارکستراسیون سرود ترکیبی از سازهای بادی برنجی (بازی شکوه و اقتدار)، سازهای بادی چوبی (برای تعادل رنگ صوتی)، سازهای کوبه‌ای محدود (تأکید ریتمیک) و استفاده غالب از بادی‌های برنجی، سرود را به فضای مارش‌گونه و رسمی نزدیک می‌کند؛ انتخابی که در اکثر سرودهای ملی جهان نیز دیده می‌شود.

رابطه موسیقی و متن

متن سرود دارای واژگانی انتزاعی و اعتقادی و در خود یک جهان‌بینی دارد و کمتر به تصویرسازی عاطفی می‌پردازد. موسیقی نیز دقیقاً در همین راستا حرکت می‌کند: نه اغراق‌آمیز و نه احساساتی. تأکیدهای ملودیک و ریتمیک دقیقاً روی واژگان کلیدی قرار گرفته‌اند و از کش‌دار شدن یا تزیین بیش از حد پرهیز شده است. این هماهنگی باعث می‌شود پیام سرود مستقیم، رسمی و بدون ابهام منتقل شود.

در مقایسه با سرودهایی مانند «لا مارسه» یا فرانسه یا سرود ملی روسیه، سرود ایران کوتاه‌تر است، کمتر



سرود جمهوری اسلامی ایران

ساخته حسن ریاحی، اثری است که

پیش از آن‌که به دنبال ماندگاری

ملودیک یا جذابیت

مونوف‌های شنیداری

عام باشد، بر کارکرد

نمادین، رسمی و

ساختارمند خود تمرکز

دارد

گزارش



سرپرست گروه موسیقی «سلام افغانستان»

تلاش ما این بوده

با موسیقی، مسائل

مرزی را کمرنگ کنیم

گروه فرهنگی در دومین روز چهل‌ویکمین جشنواره موسیقی فجر (سه‌شنبه ۲۱ بهمن ماه) گروه موسیقی «سلام افغانستان» در تالار رودکی به روی صحنه رفت. درواقع می‌توان گفت این گروه تنها نماینده بخش موسیقی بین‌الملل است که اجرایشان با استقبال خوبی همراه بود.

حمید سائل، سرپرست گروه موسیقی «سلام افغانستان» درباره حضورش در این دوره از جشنواره گفت: «ما در

جشنواره‌های متعدد موسیقی فجر حضور داشته‌ایم و بر

این نظرم برگزاری جشنواره موسیقی فجر برای اهل

موسیقی امیدآفرین است و

این امر نشان‌دهنده زنده نگاه داشتن عرصه موسیقی است

و گروه‌هایی که اجرای برنامه دارند، همواره مایه افتخار بوده

و ما از وجود این روزنه‌ها خرسند هستیم.»

او درباره اشتراکات موسیقی ایران و افغانستان در حوزه

آواز، موسیقی و شعر بیان کرد: «ارتباط شعری میان ایران و

افغانستان بسیار گسترده است. از اشعار معاصر ایران و اشعار

ایرانی و افغانی استفاده شده و ما

نیز همواره تلاش کرده‌ایم این وجه مشترک را حفظ کنیم.»

سائل در ادامه افزود: «ما

اشعار را با دوستان ایرانی آهنگسازی کرده‌ایم و به‌صورت

گروهی هم‌نوازی داریم و آثار مختلفی از جمله سرود و ترانه

را آهنگسازی و اجرا می‌کنیم. هرچند برخی سازها میان دو

کشور تفاوت‌هایی دارند و برخی سازهای افغانستان با موسیقی

هندوستان نیز اشتراکاتی دارند. قدمت تاریخی موسیقی ایران و

افغانستان از دیرباز وجود داشته و همواره تلاش کرده‌ایم آن را

حفظ کنیم. موسیقی نیاز هر دو جامعه است، و سعی کرده‌ایم

با موسیقی، حتی مسائل مرزی پیام برای اهل موسیقی و عموم

مردم، پیامی مثبت و اثرگذار باشد.»

سرپرست گروه موسیقی «سلام افغانستان» در خصوص ساز

رباب که میان ایران و افغانستان مشترک است، اظهار کرد: «ساز

رباب در ایران و افغانستان تنها از نظر نام مشترک است و از لحاظ

ظاهری و حتی شیوه نوازندگی تفاوت‌هایی دارد و برخی نت‌ها

نیز در اجرا متفاوت است.»

حمید سائل در پاسخ به «ایران» درباره تلاش هنرمندان

افغانستان برای احیای موسیقی فولکلور این کشور گفت: «چیزی

از موسیقی از بین نرفته است، اما قوانینی که اخیراً اعمال شده

و حکومتی که روی کار آمده، همه چیز را ممنوع و تخریب

کرده است. در افغانستان موسیقی به‌طور مطلق حرام

اعلام شده و حتی اجازه شنیده شدن صدای یک ساز نیز وجود

ندارد. موسیقی نیاز جامعه است و هر جامعه‌ای به موسیقی نیاز

دارد. با موسیقی می‌توان فرهنگ‌سازی کرد و نمی‌توان

آن را کنار گذاشت. موسیقی در ذات مردم ایران و افغانستان و

حرف آن به معنای بی‌روح شدن جامعه است.»

او در پایان درباره قطعات اجرایی این گروه گفت: «قطعاتی که

اجرا کردیم، شامل موسیقی بومی و فولکلور افغانستان از

چند استان مختلف بود و چند قطعه نیز به‌طور ویژه

به موسیقی منطقه هرات اختصاص داشت. تلاش ما بر

این بود که ارتباطات موسیقایی میان ایران و افغانستان را به

نمایش بگذاریم و امیدواریم این اجرا مورد پسند مخاطبان

قرار گرفته باشد.»